



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Volume 1, Issue 1, 2021

The Expansion of the Fault Theory in the Islamic Penal Code Passed in 2013

Abolghasem Khodadi^{1*} Ali Khaledi²

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanity, University of Shahed, Tehran, Iran.

2. M.A, Department of Private Law, Faculty of Humanity, University of Shahed, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 83-97

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-3124-2374

TELL: +989122795686

Email: a.khodadi@gmail.com

Article history:

Received: 30 Nov 2020

Revised: 21 Feb 2021

Accepted: 26 Feb 2021

Published online: 21 Mar 2021

Keywords:

Fault, Criminal Liability, Prior Cause, Legal Person, Other's Act, Manslaughter.

ABSTRACT

In the literature of criminal law, criminal intent as the main pillar of criminal responsibility and the element of guilt (criminal error) is recognized as an exception. But lawmaker in Islamic Penal Code approved 2013 has developed the theory of guilt as the basis of criminal responsibility. From now on, it can be said that the element of guilt, such as the deliberate element, must be recognized as a dual element of criminal responsibility. This article seeks to identify instances of this development, to prove the expanding of the theory of guilt in Islamic Penal Code approved in 2013. By virtue of this development, to establish a causal relationship, the traditional theory of the responsibility of precedent cause has been modified by the acceptance of the theory of guilt. Another evolution is that the criminal responsibility of juridical entities and the criminal responsibility stemmed from both acts have been identified in the recent law based on fault. Fulfilling the physician's criminal responsibility is also based on his fault for treatment. And finally killing from fault is also recognized as manslaughter and by virtue of this; the scope for pure error killing has been reduced. This article by using documentary study method and logical analysis technique, after reviewing and criticizing numerous examples in Islamic Penal Code 2013 provides a perspective that the legislator in the new approach has accepted the theory of guilt as a fundamental pillar of criminal responsibility.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Khodadi, A & Khaledi, A (2021). "The Expansion of the Fault Theory in the Islamic Penal Code Passed in 2013" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(1): 83-97.



انجمن علمی فقه‌جزای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

بسط نظریه تقصیر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

ابوالقاسم خدادی^{۱*}، علی خالدی^۲

۱. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۲. کارشناس ارشد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

چکیده

در ادبیات حقوق کیفری، قصد مجرمانه به عنوان رکن اصلی مسؤولیت کیفری و عنصر تقصیر (خطای جزایی) به عنوان امری استثنایی شناخته می‌شود اما قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نظریه تقصیر را به عنوان مبنای مسؤولیت کیفری توسعه داده است. به طوری که می‌توان گفت از این پس، عنصر تقصیر همتای عنصر عمد باید به عنوان ارکان دوگانه مسؤولیت کیفری شناخته شود. این مقاله تلاش دارد با شناسایی مصادیق این توسعه، بسط نظریه تقصیر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را به اثبات برساند. به موجب این توسعه، برای احراز رابطه سببیت، نظریه سنتی مسؤولیت سبب مقدم با پذیرش نظریه تقصیر تعدیل یافته است. تحول دیگر آنکه مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و مسؤولیت کیفری ناشی از فعل هر دو بر پایه تقصیر در قانون اخیرالذکر شناسایی شده است. تحقق مسؤولیت کیفری پزشک نیز در گرو احراز تقصیر او در امر معالجه و درمان قلمداد گردیده و در نهایت قتل ناشی از تقصیر نیز از مصادیق قتل شبه عمد بر شمرده شده و به موجب این امر، از دامنه مصادیق قتل خطای محض کاسته شده است. این مقاله با روش مطالعه اسنادی و با تکنیک تحلیل منطقی، پس از بررسی و نقد نمونه‌های متعدد در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دیدگاهی را ارائه می‌کند بر این مبنا که از مهمترین تحولات نظام کیفری ایران، توسعه مسؤولیت کیفری تقصیری است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۳-۹۷

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۲۳۷۴-۲۳۴۴-۳۰۰۲-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۷۹۵۶۸۶

ایمیل: a.khodadi@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

تاریخ ویرایش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

تقصیر، مسؤولیت کیفری، سبب مقدم،

شخص حقوقی، فعل غیر، قتل شبه

عمد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی اثر حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

عدالت مقتضی آن است که مسؤولیت نتیجه مجرمانه متوجه کسی باشد که بر حصول نتیجه مزبور به علت فعل ارتكابی خود یقین داشته و با این حال، مرتکب فعل مورد نظر می‌شود. لکن گاهی خطرات و زیان‌های ناشی از یک نتیجه مجرمانه در نظر به قدری عظیم است که احتمال ترتب نتیجه مجرمانه بر فعل ارتكابی نیز موجب توجه مسؤولیت کیفری بر فاعل تقصیر می‌رود. (باهری، ۱۳۸۴: ۲۷۶/۱) نظریه تقصیر در نظام حقوقی ایران در کنار دیگر نظریات، به عنوان مبنای مسؤولیت مدنی (م ۱ ق.م.و مواد ۳۳۱-۳۳۵ و ۹۵۱-۹۵۳ ق.م) پذیرفته شده است.^۱ بر اساس نظریه تقصیر، شخص در صورتی دارای مسؤولیت است که عمل قابل سرزنشی را مرتکب شده (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۱/۱) و از نظر اخلاقی شایسته تحمل کیفر و یا جبران خسارت باشد. اما در حقوق کیفری این نظریه به صورت استثنایی به عنوان مبنای مسؤولیت کیفری (تبصره ۳ ماده ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۶۱۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵) شناخته می‌شد. با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تحولاتی در حوزه حقوق کیفری رخ داده است. اکنون سؤال اصلی این مقاله این است که تحول حقوق کیفری در حوزه مسؤولیت کیفری چیست؟ به نظر می‌رسد از مهم‌ترین تحولات حقوق کیفری با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بسط و توسعه نظریه تقصیر به عنوان مبنای مسؤولیت کیفری است. به طوری که می‌توان گفت قانون‌گذار کیفری در ارکان مسؤولیت کیفری تجدیدنظر کرده و با پذیرش نظریه تقصیر و بسط آن، چارچوب جدیدی را در مسؤولیت کیفری پایه‌گذاری کرده است. در این مقاله به روش استقرایی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نمونه‌های متعددی از توسعه نظریه تقصیر احصاء گردید و مبنای توجیه کننده آن تبیین شد. بدین صورت که قانون‌گذار بر خلاف رویکرد قبلی خود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ برای احراز رابطه سببیت در

^۱ - نظریه دیگری که در حقوق ایران به عنوان مبنای مسؤولیت نیز پذیرفته شده است نظریه خطر می‌باشد که در نظم حقوق کنونی مبنای مسؤولیت ناشی از اتلاف است (ماده ۳۲۸ ق.م).

زمینه مسؤولیت اسباب، دست به ابداع زده است به گونه‌ای که با پذیرش نظریه تقصیر به عنوان مبنای مسؤولیت اسباب مؤخر در تأثیر و یا اسبابی که پس از سبب اول ایجاد می‌شوند، رویکرد قبلی پیش فرض گونه خود مبنی بر مسؤولیت سبب مقدم در تأثیر را تعدیل کرده است.^۲ (مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ ق.م.ا). از طرف دیگر با نوآوری در پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر بر دایره مصادیق مسؤولیت کیفری افزود. در این مقاله با بررسی اقوال مختلف در مبنای توجیهی برای این تحول، نظریه تقصیر به عنوان رکن اساسی این نوآوری شناخته شده است. از سوی دیگر مسؤولیت پزشک که قبلاً بر پایه نظریه دیگری^۳ استوار بوده‌است را بر پایه نظریه تقصیر استوار کرده است. (مواد ۴۹۵، ۱۴۲ و ۱۴۳ ق.م.ا) کما اینکه دامنه شمول (مصادیق) برخی از عناوین مجرمانه را نیز در این قانون در پرتو نظریه تقصیر بسط داده که به موجب این اقدام، در دامنه شمول (مصادیق) برخی از عناوین مجرمانه دیگر تحدید صورت گرفته است (بند پ ماده ۲۹۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲). بنابراین در این جستار با بررسی ارکان و شاخه‌های مسؤولیت کیفری، درصدد اثبات فرضیه توسعه مسؤولیت کیفری ناشی از تقصیر در نظم جدید حقوق کیفری است. روش تحقیق این مقاله روش اسنادی با بررسی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و آثار مکتوب اعم از مقالات و کتب مرتبط با موضوع است. در این روش با تکنیک تحلیل منطقی-عقلایی، دیدگاه‌های مختلف مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در نهایت دیدگاه برگزیده نگارنده ارائه می‌گردد.

^۲ - منظور اسبابی است که پس از سبب دیگر ایجاد می‌شوند منتها با این قصد و تفکر که ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه و خسارت به دیگران گردد.

^۳ - مسؤولیت پزشک در ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بر پایه نظریه مسؤولیت محض استوار بود.

در این نوشتار ابتدا جایگاه نظریه تقصیر در حقوق کیفری بررسی می‌شود. سپس مسؤولیت‌های مبتنی بر تقصیر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تبیین می‌گردد.

۱- جایگاه نظریه تقصیر در حقوق کیفری

در این گفتار آنچه را که لازمه شناخت نظریه تقصیر به عنوان مبنای مسؤولیت کیفری است را از نظر خواهیم گذراند.

۱-۱- تحلیل نظریه تقصیر

تقصیر در حقوق کیفری در معنای عام و به استناد مبانی حقوق کیفری عبارت است از تحقق قابلیت انتساب عمل (واقعه مجرمانه) به مرتکب و احراز مسؤولیت وی و در نتیجه تعلق مجازات به وی، چه در جرائم عمدی و چه در جرائم غیر عمدی. حال آنکه تقصیر به معنای اخص یا وصف عملی است که در آن پیش‌بینی و جانب‌نگری در حد عادت رعایت نشده است (بی‌احتیاطی)، یا وصف عارض بر کاری است که فاعل آن، ورود ضرر به غیر را احتمال می‌دهد لکن لاقیدی در انجام عمل به خرج می‌دهد (بی‌مبالاتی)، یا عدم آشنایی با اصول و دقائق علمی و فنی کار معین و عدم اطلاع متعارف در حرفه‌ای (عدم مهارت)، یا رعایت نکردن هر دستوری است که دارای ضمانت اجرا باشد اعم از قانون به معنای اخص و آیین‌نامه‌ها و... (عدم رعایت مقررات دولتی). تقصیر در حقوق جزا در معنای عام مترادف عنصر روانی است و شامل عمد، غفلت و بی‌مبالاتی است (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۷۱/۱) کما اینکه در معنای خاص منحصر در بی‌احتیاطی، غفلت و بی‌مبالاتی است و مقابل قصد مجرمانه قرار دارد. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۷۵/۱)

مصادیق تقصیر یا خطای جزایی، در تبصره ماده ۱۴۵ ق.م.ا به صورت تمثیلی بدین‌گونه مقرر شده است «تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی محسوب می‌شود.» بنابراین طیف وسیعی از رفتارها اعم از فعل یا ترک فعل شامل عنوان تقصیر می‌شود.

۱-۲- لزوم احراز سببیت در تقصیر

برای اینکه مرتکب به سبب تقصیر خود مسؤول باشد باید رابطه سببیت بین تقصیر وی و عمل ارتكابی او اعم از آنکه جرم باشد و یا نباشد و صرفاً مسؤولیت مدنی به بار آورد، وجود داشته در این باره ماده ۵۲۹ ق.م.ا مقرر می‌دارد «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.» لکن باید توجه داشت که صرف تقصیر به خودی خود و در صورت وقوع جنایت کافی برای مسؤول قلمداد شدن مرتکب نیست بلکه آنچه در این زمینه لازم و شرط تحقق مسؤولیت به سبب تقصیر مرتکب است وجود تقصیر مؤثر در وقوع جنایت و انجام واقعه مجرمانه است. (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۰۹/۱) به موجب ماده مزبور برای انتساب جرم به مرتکب احراز رابطه سببیت بین تقصیر وی و جرم ارتكابی لازم است و هرگاه ثابت شود که میان تقصیر مرتکب و صدمه و زبانی که به دیگری رسیده است هیچ‌گونه رابطه ضروری (علی - معلولی) وجود نداشته است مرتکب مقصر شناخته نمی‌شود این شرط را دیوان عالی کشور در آرای گوناگونی که درباره تخلف راننده از نظامات دولتی صادر کرده، این‌گونه بیان نموده است: «بر حسب مستفاد از ماده ۱۷۷ قانون کیفری عمومی بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی یا تخلف از نظامات دولتی وقتی موجب مسؤولیت کیفری خواهد شد که یکی از این امور، ولو به طور غیر مستقیم علت وقوع حادثه باشد. بنابراین اگر راننده‌ای در اتومبیل باری مسافر سوار کند و به واسطه پاره شدن لوله ترمز (که ممکن است برای هر اتومبیلی پیش آید) ماشین او واژگون شود که در نتیجه مسافر مزبور بمیرد چون به هیچ وجه رابطه علیت و سببیتی بین عمل متهم دایر به سوار کردن مسافر در اتومبیل باری که تخلف از نظامات به شمار می‌رود با وقوع حادثه وجود نداشته بنابراین نمی‌توان عمل متهم را مشمول ماده ۱۷۷ مزبور دانست.»^۱ استدلال دیوان عالی کشور که در واقع از یک طرف دلیلی بر لزوم وجود شرط رابطه سببیت بین تقصیر مرتکب و عمل ارتكابی و از طرف دیگر لزوم وجود تقصیر مؤثر در ارتكاب جنایت است بدین‌گونه «در موارد فوق، هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات تأثیری در حادثه نداشته باشد، به گونه‌ای که تقصیر

^۱ - حکم شماره: ۳۰۷/۱۹-۲۴۲۱ و ۵/۹/۲۰-۸۶۶/۲۴. شعبه ۶ دیوان عالی کشور.

مرتکب علت جنایت حاصله نباشد، راننده ضامن نیست» در تبصره ۱ ماده ۵۰۴ ق.م.ا مد نظر قانون گذار قرار گرفته است که به موجب این تبصره و همچنین ماده ۵۲۹ ق.م.ا مرتکب در صورتی مسؤول قلمداد می‌شود که اولاً رابطه سببیت بین تقصیر وی و جنایت ارتكابی وجود داشته باشد و ثانیاً تقصیر مؤثر وی در وقوع جنایت اثبات شود در غیر این صورت مرتکب مسؤولیتی در قبال صدمه و خسارات ایجاد شده نخواهد داشت.

۲- مسؤولیت‌های مبتنی بر تقصیر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در این گفتار برای اثبات ادعای خود مبنی بر بسط نظریه تقصیر، حسب نوع تحولی که در مینا، ارکان، انواع و مصادیق مسؤولیت‌های کیفری روی داده است مسؤولیت‌هایی را که در تقنین آن‌ها نظریه تقصیر مورد توجه قرار گرفته است بررسی خواهیم کرد.

۲-۱- نظریه تقصیر؛ تعدیل نظریه سبب مقدم در تأثیر

یکی از اشتراکات مسؤولیت مدنی و کیفری، مبحث موجبات ضمان است. چه آنکه موجبات ضمان در انواع جنایات (عمدی، شبه عمد و خطای محض) می‌تواند علاوه بر جبران خسارت، برای مرتکب مسؤولیت کیفری نیز به همراه داشته باشد. در این مبحث، معیار مسؤولیت در حالت اجتماع اسباب (اسباب طولی) طبق نظر مشهور فقهای امامیه که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰^۱ نیز همان را برگزیده بود، ضمان سبب مقدم در تأثیر بود. (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۱۰/۱۶۶؛ موسوی خمینی، بی تا: ۶۹۷/۲) مثال معروفی که در این مورد نیز مطرح می‌شد این بود که اگر کسی چاهی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و شخص ثالثی به سبب

آن در چاه سقوط کند قرار دهنده سنگ، ضامن است زیرا مجنی علیه ابتدا با سببی که او ایجاد نموده روبه‌رو شده است و عمل او باعث شده است که سبب دیگر (حفر چاه) نیز تأثیر کند در واقع سبب مقدم در تأثیر سبب دیگر را که دارای یک خطر بالقوه بوده است به خطری بالفعل تبدیل کرده است. لکن در نظم حقوق کنونی به نظر می‌رسد قانون گذار علاوه بر قاعده سابق سبب مقدم در تأثیر دو معیار احراز عنصر «تأثیر» (ماده ۵۲۶ ق.م.ا) و عنصر «تقصیر» (ماده ۵۲۹ ق.م.ا) را به عنوان معیارهایی برای احراز رابطه سببیت بر شمرده و با این دو معیار عملاً نظریه سبب مقدم در تأثیر تعدیل یافته است. در ماده ۵۲۶ ق.م.ا با دادن قاعده‌ای کلی به عنوان معیار احراز مسؤولیت سبب و مباشر دیگر به صرف عنوان مباشر و سبب توجه نکرده است.^۲ بدین صورت که در حالت اجتماع سبب و مباشر، نظر قانون گذار بررسی تأثیر فعل بر نتیجه است خواه فعل مباشر باشد خواه فعل سبب. یعنی از این پس در نظر قانون گذار مسؤولیت بر حسب تأثیر سبب تقسیم می‌شود. به طوری که برخی نویسندگان یکی از نوآوری‌های ماده ۵۲۶ و ۵۲۷ ق.م.ا را پذیرش ضمان سهمی یعنی توزیع مسؤولیت بر حسب میزان تأثیر رفتار بیان کرده اند. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۲: ۱۲۶) اما در عین حال باید گفت عنصر تأثیر همه ماجرا نیست بلکه بررسی عنصر تقصیر نیز ضروری است. در واقع، در میان افعال مباشر و سبب که در جنایت تأثیرگذار بوده اند، فعلی موجب مسؤولیت مرتکب می‌شود که غیرمجاز (تقصیری) باشد. بنابراین افعال مجاز - هرچند مؤثر- را کنار گذاشته و صرفاً باید به سراغ افعال غیرمجاز چه به نحو مباشرت چه به نحو تسبیب رفت. حال اگر با بررسی تقصیر عوامل، نتیجه این شد که میزان تأثیر رفتار همه عوامل اعم از مباشر و یا مباشران و سبب و یا اسباب مساوی است تمام عوامل مزبور به‌طور مساوی ضامن خواهند بود مگر اینکه تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتار خودشان مسؤول

۱ - ماده ۳۶۴ ق.م.ا ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «هرگاه دو نفر عدو انا در و وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی به عهده حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدو انا و دیگر غیر عدو انا باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود.»

۲ - در حالی که در ماده ۳۶۳ ق.م.ا ۱۳۷۰ چنین بیان می‌داشت: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد.»

صورت تقصیر دیگر اسباب، سبب مقدم در تأثیر ضامن نخواهد بود. با این وجود برخی نویسندگان قائلند که قانون‌گذار برخلاف ماده ۵۲۶ که ملاک مسؤولیت عاملان زیان را صرفاً «استناد» زیان به آنان و در ماده ۵۳۵ صرفاً «سبب مقدم در تأثیر» را مسوول جبران زیان قلمداد کرده است و بدین ترتیب در هریک از مواد فوق، موضع متفاوتی از سوی قانون‌گذار اتخاذ شده است. (مومنی، ۱۳۹۵: ۲۶۰) اما نگارنده معتقد است این تعارض ظاهری است و قابلیت جمع مواد قانونی وجود دارد. بدین ترتیب که فروض مسؤولیتی را که در پرتو بسط نظریه تقصیر در خصوص سبب مقدم و دیگر اسباب در جنایات می‌توان برشمرد بدین ترتیب است:

الف- عدوانی بودن اسباب: این فرض بر مبنای عدوانی بودن اسباب و قصد جنایت آنها استوار است. به صورت کلی سبب غیر مجاز ضامن است چه مقدم در تأثیر باشد، چه مؤخر در تأثیر. (طوسی، ۱۳۵۱: ۷/ ۱۸۵؛ فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۲/ ۴۸۶) لکن هر گاه سبب مقدم در تأثیر و سبب (و یا اسباب) مؤخر در تأثیر هر دو غیر مجاز باشند، در این هنگام سبب مقدم در تأثیر ضامن است. با این حال اگر هر دو سبب قصد ارتکاب جنایت داشته باشند، در این صورت شرکت در جرم محقق شده و هر دو سبب ضامن خواهند بود (مواد ۵۳۵ و ۵۳۳ ق.م.ا).

ب- استناد نتیجه به اسباب عدوانی: در این فرض آنچه معیار احراز مسؤولیت (علاوه بر عدوانی بودن اسباب) است استناد نتیجه حاصله به اسباب عدوانی دخیل در حدوث نتیجه است. بدین صورت که اگر نتیجه حاصله منتسب به سبب مقدم در تأثیر باشد و به دیگر اسباب منتسب نباشد (به عبارت دیگر تقصیر مؤثری که لازمه انتساب است را در بروز نتیجه با توجه به شاخص‌های عرفی نداشته باشد) صرفاً سبب مقدم در تأثیر مسؤولیت دارد. از طرف دیگر اگر نتیجه حاصله منتسب به سبب مؤخر در تأثیر باشد و به سبب (و یا اسباب) مقدم در تأثیر منتسب نباشد (به عبارت دیگر تقصیر مؤثری که لازمه انتساب است را در بروز نتیجه با توجه به شاخص‌های عرفی نداشته باشد) صرفاً سبب مؤخر در تأثیر مسؤولیت است. کما اینکه اگر نتیجه حاصله منتسب به سبب مقدم در تأثیر و

هستند و نیز اگر نتیجه حاصله صرفاً به یک عامل منتسب باشد همو به تنهایی مسؤول است (م ۵۲۶ ق.م.ا). حال با توجه به این تغییرات می‌توان گفت قانون‌گذار دیگر مجالی برای نظریه سبب مقدم باقی نگذاشته است. یعنی وقتی در اجتماع سبب و مباشر، ملاک میزان تأثیر است به طریق اولی در اجتماع اسباب باید میزان تأثیر ملاک باشد. پس باید در گام نخست ماده ۵۳۵ را در پرتو تغییرات جدید موضوع ماده ۵۲۶ ق.م.ا تفسیر کرد. یعنی در اجتماع اسباب نیز ابتدا «میزان تأثیر رفتار» اسباب مدنظر قرار می‌گیرد سپس اگر نتوان با شاخص‌های عرفی میزان تأثیر را تعیین کرد به سراغ شاخص حکمی باید رفت و حکم ماده ۵۳۵ ق.م.ا در مورد مسؤولیت سبب مقدم را ملاک قرار داد.

بنابراین هرچند ماده ۵۳۵ ق.م.ا مقرر می‌دارد «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند... مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود.» در گام دوم باید هر دو ماده ۵۲۶ و ۵۳۵ ق.م.ا را در پرتو ماده ۵۳۶ ق.م.ا تفسیر کرد که مقرر می‌دارد «هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیر مجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیر مجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.» باید توجه داشت که جاری شدن احکام این مواد در صورتی است که آنچه ما در بالا به عنوان معیار احراز مسؤولیت و میزان آن مطرح کرده‌ایم (یعنی منتسب بودن نتیجه به سبب و یا به چند سبب چه با درجه مساوی و چه با درجه‌های متفاوت حسب تأثیر رفتار اسباب) احراز نشود. هرچند به نظر می‌رسد قانون‌گذار بدو مسؤولیت را متوجه سبب مقدم در تأثیر دانسته است (صادقی، ۱۳۹۲: ۳۶) لکن با توجه به نظر مشهور فقها و مواد ۵۲۶ و ۵۳۶ ق.م.ا مسؤولیت سبب مقدم در تأثیر هنگامی مدنظر قرار می‌گیرد که دیگر اسباب مقصر شناخته نشوند بدین صورت که در

سابق خود را که به صورت پیش فرض در اجتماع سبب و مباشر، مباشر را ضامن می‌دانست یا در اجتماع اسباب، سبب مقدم را ضامن می‌دانست عبور کرد و اکنون عنصر «تقصیر» را در کنار عنصر «تأثیر» به عنوان مبنای رابطه سببیت ملاک می‌داند.

۲-۲- مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی بر مبنای نظریه تقصیر^۱

در ماده ۱۴۳ ق.م.ا قانون گذار طبق قاعده‌ای عام، «... شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...» برای اشخاص حقوقی مسؤولیت کیفری مقرر کرده است. با دقت به این ماده مشخص می‌شود که اگر نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن^۲ مرتکب جرمی شود مسؤولیت کیفری ناشی از این جرم را علاوه بر شخص حقیقی، شخص حقوقی نیز تحمل خواهد کرد. در واقع برای تحقق مسؤولیت کیفری شخص حقوقی وجود یکی از این دو شرط کافی است چه به نام شخص حقوقی عملی انجام شود چه در راستای منافع آن. (روح الامینی، ۱۳۸۷: ۱۴۵) با مقایسه این ماده با ماده ۱۹ قانون جرائم ماده جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ می‌توان به توسعه دایره مسؤولیت

سبب (و یا اسباب) مؤخر در تأثیر باشد. همه اسباب به صورت مساوی ضامن خواهند بود. (به عبارت دیگر اگر شاخص‌های عرفی و معیارهای تقصیر نتیجه حاصله را به همه اسباب مقدم و مؤخر منتسب کند). لکن چنانچه نتیجه حاصله مستند به رفتار تمام عوامل باشد ولی میزان تأثیر رفتار آنها متفاوت باشد هر کدام به میزان تأثیر رفتار خود مسؤول دارد (م ۵۲۶ ق.م.ا). استنتاج مسؤولیت‌های این فرض با توجه به معیارهایی است که در ماده ۵۲۶ ق.م.ا پذیرفته شده است وگرنه مقرر ماده ۵۳۵ ق.م.ا فرصتی برای توجه به این فروض باقی نگذاشته است. پیدا است آنچه اهمیت دارد آن است که کسی مسؤول قرار گیرد که بین فعل او و ایجاد ضرر رابطه سببیت عرفی و معقول وجود داشته باشد. (حاجی نوری، ۱۳۸۹: ۸۷)

ج- تأثیر گذاری اسباب بر یکدیگر: در این فرض مرحله ایجاد اسباب به لحاظ زمانی و تفکر مجرمانه آنها در وقوع جنایت ملاک است. بدین صورت که اگر سبب اول (سببی که به لحاظ زمانی زودتر ایجاد شده است و ممکن است سبب مقدم در تأثیر و یا مؤخر در تأثیر باشد) به صورت «غیر مجاز» ایجاد شود و سبب دوم (سببی که به لحاظ زمانی دیرتر ایجاد شده است و ممکن است سبب مقدم در تأثیر و یا مؤخر در تأثیر باشد) نیز به صورت غیر مجاز، با توجه به سبب اول و با این تفکر که ایجاد آن در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگری می‌شود، ایجاد شود و جنایتی را موجب شود صرفاً سبب دوم ضامن خواهد بود (م ۵۳۶ ق.م.ا؛ چهکنندی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۷۰). کما اینکه اگر بالعکس فرض فوق شود و هر دو سبب اول و دوم مجاز باشند لکن سبب دوم «با توجه به سبب اول و با این تفکر که ایجاد آن در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگری می‌شود» ایجاد شود در این صورت نیز سبب دوم (که ممکن است مقدم در تأثیر و یا مؤخر در تأثیر باشد) ضامن خواهد بود (م ۵۳۶ ق.م.ا). لازم به ذکر است که آنچه در این جا باعث مسؤول قلمدان شدن سبب دوم می‌شود قصد و تفکر مجرمانه‌ای (سوء نیتی) است که از خود نشان داده است (صادقی، ۱۳۹۲: ۳۸/۱) بنابراین می‌توان گفت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، عنصر تقصیر رکن اساسی احراز رابطه سببیت شناخته شده است. در واقع قانون گذار دیدگاه

۱- از لحاظ تاریخی در حقوق فرانسه مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی سه برهه الف: برهه عدم مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی؛ ب: برهه مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان استثنا؛ ج: برهه مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان اصل را پشت سر گذاشته است (روح الامینی، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۳۶) و امروزه مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان اصل در حقوق فرانسه پذیرفته شده است به نظر می‌رسد در حقوق ایران با توجه به ماده ۱۴۳ ق.م.ا مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان استثنا بر اصل مسؤولیت کیفری اشخاص حقیقی هر چند نسبت به کلیه جرائم (شریفی محسن، الف)، ۱۳۹۲، ۶۰ پذیرفته شده است.

۲ - در حقوق فرانسه به جای به نام (au nom) یا در راستای منافع شخص (dans l'intérêt collectif) حقوقی عبارت به حساب شخص حقوقی pour leur compte) مقرر شده است که شامل هر دو عبارت به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی می‌شود.

انجام نمی‌شود چراکه در «سوء استفاده» عنصر تقلب وجود دارد در حالی که در «به نام» هیچ عنصر تقلبی وجود ندارد و ماده ۱۴۳ نیز صرفاً از عبارت «به نام» نام برده است. ثانیاً وقتی که نماینده قانونی شخص حقوقی بدون آنکه تقلبی در نام شرکت انجام دهد به نام شرکت مرتکب جرمی علیه ثالث می‌شود در حقیقت شخص حقوقی با عدم نظارت و اهمال در وظایف خود دچار تقصیر شده است و به موجب آن مسؤول است. به عبارت دیگر شخص حقوقی همانند شخص حقیقی نیست که پیکر وی آئینه تمام‌نمای حقوق و تکالیف و اعمال و رفتار و... باشد شخص حقوقی معمولاً متشکل از ارکان تصمیم‌گیرنده، اجرایی، بازرسی و نظارتی و... می‌باشد (موسوی‌مجاب، ۱۳۹۴: ۱۵۴) که فعالیت این ارکان به صورت جمعی و هماهنگ، تنظیم‌کننده روابط و فعالیت‌های شخص حقوقی است و شخص حقوقی را به عنوان ماهیتی مستقل تشکیل می‌دهند به گونه‌ای که عدم مسؤولیت کیفری شخص حقوقی به عنوان ماهیتی مستقل و جدا از اشخاص حقیقی، مستلزم همکاری درست تمام این ارکان و انجام فعالیت‌های مشروع است. حال هنگامی که به فرض مثال نماینده قانونی به نام شخص حقوقی جرمی را مرتکب می‌شود این عمل علاوه بر اینکه نشان می‌دهد نماینده قانونی از امر مشروع تخطی کرده است نشان‌گر این نیز است که دیگر ارکان شخص حقوقی که وظیفه نظارت، کنترل و بازرسی اعمال شخص حقوقی را دارند در انجام وظایف خود کوتاهی کرده‌اند و این کوتاهی و تقصیر نهادهای نظارتی و کنترلی شخص حقوقی موجب تحقق مسؤولیت کیفری برای شخص حقوقی است. (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲ و ۶۳)

بنابراین در مجموع می‌توان گفت که رکنی از ارکان شخص حقوقی به نام شخص حقوقی مرتکب جرم شده است و دیگر ارکان شخص حقوقی وی را منع نکرده‌اند و یا در وظایف خود دچار تقصیر شده‌اند. مجموع این فعل و ترک فعل مبتنی بر تقصیر ارکان شخص حقوقی، باعث تحقق مسؤولیت کیفری است و به نظر می‌رسد که این امر به درستی در ماده ۱۴۳ ق.م.ا پیش‌بینی شده است. شایان ذکر است امکان تحقق جرایم عمدی نیز از سوی اشخاص حقوقی متصور بوده که از موضوع بحث خارج است. این نوشتار به دنبال شناسایی مبانی

کیفری شخص حقوقی پی برد.^۱ توضیح آنکه در ماده ۱۹ قانون مذکور شخص حقوقی در صورتی مسؤول است که نماینده قانونی آن به نام و در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. در واقع در ماده ۱۹ فوق‌الذکر وجود هر دو شرط به نام و در راستای منافع لازم است اما در ماده ۱۴۳ ق.م.ا وجود یک شرط از دو شرط کافی است. برخی از حقوق‌دانان در نقد ماده ۱۴۳ ق.م.ا، توسعه مسؤولیت کیفری شخص حقوقی، نسبت به قانون جرائم رایانه‌ای را خلاف عدالت و انصاف دانسته‌اند چرا که معتقدند زمانی که شخص حقوقی نفعی نبرده و تقصیری نیز مرتکب نشده، چرا باید مسؤول باشد؟ اگر همین رفتار علیه یک شخص حقیقی ارتکاب یابد، آیا کسی او را که دیگران به نام وی مرتکب جرم شده‌اند، شایسته توبیخ و تحمل مجازات می‌داند؟ به نظر می‌رسد سوء استفاده از نام یک شخص خواه حقیقی و خواه حقوقی، موجب بزه‌دیدگی آن شخص می‌شود تا اینکه وی را به عنوان بزه‌کار قلمداد کند (توجهی، ۱۳۹۳: ۲۰۶/۱) برخی دیگر از حقوق‌دانان هرچند نص ماده ۱۴۳ ق.م.ا را روشن یافته‌اند اما با اجتهاد در مقابل نص، وجود هر دو شرط «هم به نام و هم در راستای منافع شخص حقوقی» را ضروری و تخطی از آن را اجتناب‌ناپذیر دانسته‌اند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۶)

اما از دیدگاه نگارنده توسعه مسؤولیت اشخاص حقوقی علاوه بر اینکه خلاف عدالت و انصاف نیست کاملاً موافق اصول و مبانی نظریه تقصیر است. بدین بیان که اولاً موضوع قابل تأمل در ماده ۱۴۳ ق.م.ا ناظر به عبارت «به نام شخص حقوقی» این است که در این فرض هیچ عنصر تقلبی وجود ندارد یعنی نماینده قانونی شخص حقوقی بدون هیچ تقلب و سوء استفاده‌ای از نام شخص حقوقی، کاملاً همان نام (مهر شرکت، شماره ثبت شرکت، سربرگ‌ها و علامت تجاری) شرکت را در ارتکاب جرم به کار می‌برد. در واقع منتقدین ماده ۱۴۳ دو عبارت «سوء استفاده از نام» و «به نام» را خلط کرده‌اند. باید توجه داشت که در ماده مارالذکر، سوء استفاده‌ای

۱ - ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای: «در موارد زیر، چنانچه جرائم رایانه‌ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسؤولیت کیفری خواهد بود...»

ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای تکمیل مسؤولیت ناشی از فعل غیر و همسو با ماده ۷ ق.م.م^۱ در زمینه مسؤولیت مدنی ناشی از فعل غیر، در مورد مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر مقرر می‌دارد که تحقق «مسؤولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود.» در بخش اول مسؤولیت مطلق و عینی و در بخش دوم مسؤولیت ناشی از تقصیر مدنظر قرار گرفته است. در بخش اول ماده که قانون‌گذار مقرر می‌دارد شخص به طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد این نوع مسؤولیت، مسؤولیت عینی است و نیازی به اثبات تقصیر و رابطه سببیت بین تقصیر و نتیجه وجود ندارد به صرف اینکه برای وی به موجب قانون مسؤولیت کیفری پیش‌بینی شده باشد مسؤولیت کیفری خواهد داشت بدین صورت که همو در دادگاه طرف دعوا و پاسخ‌گوست و همو بار مجازات را به دوش خواهد کشید. (اردبیلی، بی‌تا، ۲۲۹) اما در فقره دوم این ماده که مقرر می‌دارد «در رابطه با رفتار ارتكابی دیگری مرتکب تقصیر شود» این بخش ناظر به مواردی است که شخص در قبال رفتار غیر و نتیجه حاصله، خطایی کرده باشد و تقصیری از وی سر زده باشد. لازم نیست که نمونه مسؤولیت‌های کیفری ناشی از فعل غیر به سبب تقصیر در قوانین مشخص شده باشد بلکه ضابطه کلی در این باره تقصیر مؤثر مقصر است که با توجه شاخص‌های عرفی همچون میزان تأثیر رفتار بر نتیجه و مجاز و یا غیر مجاز بودن و... قابل تعیین و احراز است.^۲ به

۱ - کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاه‌داری یا مواظبت مسؤول زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده نباشد.

۲ - در مورد احراز تقصیر مؤثر و یا غیر مؤثر شخص در قبال فعل غیر، دادگاه می‌تواند علاوه بر متون قوانین، به نظامات دولتی رجوع کرده و حسب مورد به احراز تقصیر و یا عدم احراز تقصیر شخص در قبال فعل غیر بپردازد. در این باره نیز تقصیر مسؤولان مفروض فرض می‌شود مگر اینکه عدم تقصیر مسؤولان ثابت شود (پور رضا، بی‌تا: ۵). که از آن جمله آیین‌نامه اجرایی قانون حمل و نقل

توجیهی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مبتنی بر تقصیر شخص حقوقی است. در این فرض چه نماینده قانونی شخص حقوقی به صورت عمدی چه غیرعمدی مرتکب جرم شود در هر حال شخص حقوقی عهده دار مسؤولیت کیفری است.

۲-۳- نظریه تقصیر مبنای مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر

از جمله اصول حاکم بر حقوق جزا اصل فردی بودن مسؤولیت کیفری و اصل شخصی بودن مجازات‌ها است. (اردبیلی، بی‌تا: ۲۲۶-۲۳۰) مسؤولیت کیفری ناشی از فعل دیگری نیز در سایه دو اصل فوق قرار دارد و به موجب آنها فرد، مسؤولیت کیفری و مجازات ناشی عمل خود را تحمل می‌کند. بدین صورت که در موضوع مسؤولیت کیفری ناشی از فعل دیگری، شخص به سبب تقصیری که در این رابطه از حیث عدم رعایت قوانین و مقررات، عدم انجام وظایف، عدم کنترل وضعیت و یا عدم رعایت جانب احتیاط و... مرتکب شده است مسؤولیت کیفری دارد و به تبع این مسؤولیت نیز مجازات را تحمل خواهد کرد هرچند ظاهراً در وقوع جرمی که به دیگری منتسب است دخالت نداشته است. به عبارت دیگر در این فرض فرد به سبب خطای خود به صورت تبعی مسؤول اعمال دیگری قرار می‌گیرد. آنچه در این باره مسلم است این است که تحقق مسؤولیت کیفری در قبال فعل دیگری در صورتی است که جرمی با تمام شرایط محقق شود (مالمیر، ۱۳۹۲: ۵۲) و از طرف دیگر خطایی صورت گرفته باشد. البته این گفته منصرف از هنگامی است که دیگری عمداً مرتکب جرمی شده باشد چه در این صورت عمد مرتکب مجالی برای توجه به خطای غیر مرتکب باقی نخواهد گذاشت. به عبارتی این نوع مسؤولیت ناظر به جرائم غیر عمدی و نیز ناظر به جرایم عمدی و تعزیری است که در آنها ضرر و یا زیانی به ثالث، منافع عمومی و نظم عمومی و... وارد شده است.

قانون کار مصوب ۱۳۶۹ در قبال مسؤولیت کارفرما مقرر شده است. در مواد ۹۱ و ۹۵ قانون فوق کارفرمایان و مسئولان مکلف شده‌اند برای تأمین حفاظت و سلامت و بهداشت کارگران در محیط کار، وسایل و امکانات لازم را تهیه و در اختیار آنان قرار داده و چگونگی کاربرد وسایل فوق الذکر را به آنان بیاموزند و در خصوص مقررات حفاظتی و بهداشتی نظارت نمایند و مسؤول اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار باشند و به تبع این تکلیف، مسؤول حوادث مستحدثه به سبب عدم رعایت مقررات مذکور به لحاظ کیفری و حقوقی باشند. به موجب این دو ماده مسؤولیت متوجه کارفرما و مسؤولان است و در صورتی که حادثه‌ای رخ دهد مسؤولیت کیفری و حقوقی حادثه مزبور را به دوش خواهند کشید. تا اینجا به نظر می‌رسد که این مسؤولیت نیز مشمول بخش اول ماده ۱۴۲ ق.م.ا است در صورتی که توجه به تبصره ۲ ماده ۹۵ قانون کار مشخص می‌کند که این تصور اشتباه است و مسؤولیت این اشخاص مشمول بخش دوم ماده ۱۴۲ ق.م.ا و مبتنی بر تقصیر است چرا که به موجب تبصره فوق مقرر شده است که «چنانچه کارفرما یا مدیران واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون برای حفاظت فنی و بهداشت کار، وسایل و امکانات لازم را در اختیار کارگر قرار داده باشند و کارگر با وجود آموزش‌های لازم و تذکرات قبلی بدون توجه به دستورالعمل و مقررات موجود از آنها استفاده ننماید کارفرما مسؤولیتی نخواهد داشت...» با توجه به این تبصره مسؤولیت کارفرما مسؤولیتی مطلق نیست بلکه این مسؤولیت مبتنی بر تقصیر کارفرما است (مالیر، ۱۳۹۲: ۵۳) و در صورتی که کارفرما مقررات این تبصره را اثبات نماید مسؤولیتی نخواهد داشت و تمام بار مسؤولیت چه به لحاظ حقوقی و چه به لحاظ کیفری بر دوش کارگر و مسبب حادثه قرار خواهد گرفت. از طرف دیگر کارفرما نیز به سبب تقصیر خود در انعقاد قرارداد و گزینش افراد شایسته و متخصص نیز مسؤولیت ناشی از فعل غیر را به موجب بخش دوم ماده ۱۴۲ ق.م.ا تحمل خواهد کرد. به فرض مثال کارفرمایی که پیمانکاری را برای انجام امری به خدمت می‌گیرد اگر پیمانکار مزبور صلاحیت نداشته باشد و به دلیل همین بی‌صلاحیتی مرتکب وقوع جرمی شود کارفرما به علت تفریط در احراز صلاحیت و شایستگی پیمانکار مزبور مسؤول است. مسؤولیت‌هایی نیز که به سبب

نظر می‌رسد نمونه مسؤولیت‌هایی که امروزه در قوانین برای تحقق مسؤولیت کیفری در قبال فعل دیگری پیش‌بینی شده است برخی در ذیل بخش اول ماده و برخی در ذیل بخش دوم ماده فوق قرار می‌گیرند. به عنوان مثال آنچه که به موجب ماده ۱۷ قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۶۹ مقرر شده است موجب مسؤولیت کیفری مطلق فرد صنفی خواهد شد. چراکه در این قانون صرفاً افراد صنفی که دارای پروانه و مجوز لازم‌اند مکلف به رعایت قوانین و مقررات جاری کشور شناخته شده‌اند از جمله قوانین و مقررات صنفی، انتظامی، بهداشتی، ایمنی، حفاظت فنی و زیباسازی محیط کار و دستورالعمل‌های نرخ‌گذاری کالاها و خدمات که از سوی مراجع قانونی ذیربط اعلام می‌گردد. بدون اینکه در این زمینه عدم تقصیر آنها در قبال نقض اعمال فوق توسط عاملین، مباشران و یا کارگزاران تأثیری در عدم شکل‌گیری مسؤولیت کیفری فرد صنفی داشته باشد. کما اینکه چنین است آنچه که به موجب تبصره ۲ ماده ۳ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات ۱۳۵۳ پیش‌بینی شده است. در این تبصره مقرر شده است که «در تمام موارد مذکور در این قانون هرگاه معلوم شود که مواد تقلبی با علم و اطلاع مدیر یا صاحب مؤسسه یا کارگاه ساخته یا تهیه یا با مواد خارجی مخلوط شده است اشخاص مذکور به همان مجازاتی که برای مباشر عمل مقرر است محکوم خواهند شد.»^۱

از طرف دیگر آنچه که به نظر می‌رسد در نظم حقوق کنونی به عنوان نمونه مسؤولیت ناشی از فعل غیر، در ذیل بخش دوم ماده ۱۴۲ ق.م.ا قرار می‌گیرد احکامی است که به موجب

و تعمیرگاه‌های اتومبیل و گاراژهای عمومی است که به موجب مقرر ماده ۶ آن کلیه مسؤولیت‌های ناشی از مقررات آیین‌نامه فوق را متوجه مدیر مسؤول دانسته است البته پیش‌بینی مسؤولیت برای مدیر مسؤول نیاز به وضع قانون دارد و از صلاحیت انحصاری قوه مقننه است نه قوه مجریه.

^۱ - از دیگر نمونه مسؤولیت‌های مشمول این بخش از ماده ۱۴۲ ق.م.ا مقرر تبصره ۴ ماده قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ است که صاحب امتیاز را در قبال خطومشی کلی نشریه مسؤول قلمداد کرده است و وی را نیز در قبال یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌سد و دیگر امور مربوط به نشریه مسؤول می‌داند.

نامشروع باشد دارای ضمان است تطابق دارد چرا که شارع اذن به درمان داده و کاری که از نظر شرع مباح است نباید ضمان آور باشد. با این حال در این ماده نکاتی قابل طرح وجود دارد؛ مقنن با بیان اینکه هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی شود ضامن دیه است اصل را بر مسؤولیت پزشک قرار داده است (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۴۸)، و در واقع مسؤولیت محض را بیان کرده است البته این امر را با استثنائی که در ادامه ماده بیان کرده است، «مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد» تبدیل به مسؤولیت مبتنی بر تقصیر کرده است (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۴۱) به عبارت دیگر مفهوم مخالف این بخش از ماده چنین است در صورتی که عمل پزشک مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی نباشد، مقصر است و به تبع تقصیر خود ضامن است و باید حسب مورد مسؤولیت کیفری و مدنی را در این باره بر دوش کشد. به صورت کلی اگر پزشک حسب اینکه در انجام معالجه و درمان مرتکب تقصیر شده و یا نشده (یعنی عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی است و یا نیست)، مسؤول و یا غیرمسؤول قلمداد می‌شود بدون اینکه أخذ و یا عدم أخذ براءت در این زمینه تأثیری داشته باشد. البته تأثیر أخذ و یا عدم أخذ براءت در مرحله اثبات چشم‌گیر است به گونه‌ای که با وجود أخذ براءت، پزشک در قبال حوادث ناشی از معالجه (مانند فوت یا صدمه و...) ضامن نبوده و قابل مجازات نیست، مگر آنکه شاکی و یا مدعی بتواند تقصیر او را در امر معالجه و درمان ثابت نماید. کما اینکه در صورت نداشتن براءت از بیمار یا ولی او حسب مورد، پزشک در خطر مسؤولیت و مجازات قرار می‌گیرد (اماره قانونی مسؤولیت پزشک) (رستمی، ۱۳۹۴: ۵۷) مگر آنکه پزشک به انحاء گوناگون عدم تقصیر خود را به اثبات برساند یعنی ثابت نماید عمل وی مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی درمانی است. بنابراین می‌توان گفت قانون‌گذار بجای پیش فرض مسؤولیت یا عدم مسؤولیت پزشک با تغییر مبنای نظریه مسؤولیت مبتنی بر تقصیر را پذیرفته است.

۲-۵- توسعه دایره قتل شبه عمد و تحدید قتل خطای محض به موجب نظریه تقصیر

جرائم غیر عمد محقق می‌شود بدین‌گونه که شخصی به سبب تقصیر و خطای خود به لحاظ بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و... سبب وقوع فعلی توسط شخصی دیگری می‌شود نیز مشمول قسمت دوم ماده ۱۴۲ ق.م.ا است. در همه این موارد، عنصر تقصیر رکن اساسی احراز مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر است.

۲-۴- مسؤولیت پزشک مبتنی بر تقصیر

مقنن در ماده ۴۹۵ ق.م.ا که جایگزین ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ شده است در مورد مسؤولیت پزشک اشعار می‌دارد که «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است، مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا اینکه قبل از معالجه براءت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه أخذ براءت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل براءت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، براءت از ولی مریض تحصیل می‌شود.

تبصره ۱- در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمانی وجود ندارد هرچند براءت أخذ نکرده باشد.»

همانطور که در تبصره ۱ این ماده آمده است، در منطوق ماده نیز به صراحت ضامن بودن از پزشک سلب شده است و حکم شدیدی که در ماده ۳۱۹ قانون سابق وجود داشت در این مورد تعدیل شده است و از این رو می‌توان گفت که قانون‌گذار از رویه قبلی خود که مبنی بر ضمان پزشک ماهر بنا بر قول مشهور فقها^۱ بوده است (کریمی، ۱۳۸۶: ۶۰) عدول کرده و قول غیر مشهور فقها مبنی بر عدم ضمان پزشک ماهر را پذیرفته است^۲ که این تغییر رویه با موازین شرعی و اخلاقی ما مبنی بر اینکه هر عملی که از نظر شارع جایز و مشروع باشد ضمانی ندارد و هر آنچه غیر مجاز و

۱ - نظر فقها در این زمینه بر این قرار گرفته است که در اینجا عمل پزشک شبه عمدی بوده و خود وی عهده دار پرداخت دیه است. رک: (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۱۵۴/۱۰)

۲ - نظر غیر مشهور فقها منتسب به ابن ادریس می‌باشد که هرگاه پزشک صلاحیت علمی لازم را داشته و از طرفی تمام تلاش خود را به کار گرفته باشد ضامن نباشد. (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۱۱۱/۱۰)

چراکه شخص به خاطر بی‌احتیاطی و عدم رعایت نظامات دولتی که از مصادیق تقصیر است، مقصر شناخته می‌شود. این در حالی است که در مثال مزبور اگر منطقه مجاز شکار بود و حتی اگر اسلحه نیز غیرمجاز بود جنایت واقع شده جنایت خطای محض محسوب می‌شد. با این حال، فقدان تقصیر مرتکب در جنایت خطای محض باید همراه با بی‌تقصیری مجنی‌علیه باشد، چنانچه به رغم فقدان قصد در انجام رفتار نسبت به مجنی‌علیه، فقدان قصد ایراد جنایت نسبت به او و نیز فقدان تقصیر مرتکب، مجنی‌علیه مقصر باشد ضمان کیفری و مدنی منتفی خواهد بود. در واقع، اگر وضعیت زیان دیده به تقصیر خودش منتسب باشد، عاملی برای رفع مسؤلیت از مرتکب می‌شود. (خادم سربخش، ۱۳۸۹: ۱۱۵)

ماده ۵۰۴ ق.م.ا. موردی از جنایت شبه عمد را بدین‌گونه بیان کرده است «هرگاه راننده‌ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است، در حالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، بدون تقصیر برخورد نماید، ضمان منتفی و در غیر این صورت راننده ضامن است» به موجب بخش اخیر این ماده در صورت وجود تقصیر، جنایت واقع شده به موجب بند «پ» ماده ۲۹۱ ق.م.ا. شبه عمد خواهد بود. آنچه شایسته است درباره تقصیر به عنوان معیار و ملاک شبه عمدی شدن بعضی جنایات بیان شود این است که صرف تقصیر به هر درجه‌ای که باشد به خودی خود در صورت وقوع جنایت کافی نیست بلکه آن چه در این زمینه مهم است تقصیر مؤثر مرتکب در انجام جنایت و واقعه مجرمانه است چرا که تقصیر مؤثر در حقوق شرط است. تبصره ۱ ماده ۵۰۴ ق.م.ا. در این باره مقرر کرده است که «در موارد فوق، هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تأثیری در حادثه نداشته باشد، به گونه‌ای که تقصیر مرتکب علت جنایت حاصله نباشد، راننده ضامن نیست.» به عنوان مثال در صورت تقصیر پزشک در درمان و یا سوء درمان، مسؤلیت کیفری و مدنی پزشک در صورتی محقق می‌شود که ثابت شود بیمار در صورت درمان مناسب زنده می‌ماند (تقصیر مؤثر). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مصادیق قتل خطای محض موضوع ماده ۲۹۲ ق.م.ا. یعنی قتل در حال خواب، بیهوشی و مانند اینها و نیز جنایتی که مرتکب نه قصد فعل واقع شده بر مجنی‌علیه و نه قصد نتیجه

جنایت شبه عمد هنگامی است که مرتکب قصد انجام فعل را دارد لکن قصد انجام جنایت واقع شده را نسبت به مجنی‌علیه نداشته باشد. (بند الف ماده ۲۹۱ ق.م.ا.) قانون‌گذار هرچند جنایت شبه عمد را در بند «الف» ماده ۲۹۱ ق.م.ا. مقرر داشته است لکن در دو بند دیگر این ماده به مواردی پرداخته است که اصولاً جزء جنایات شبه عمد نیست. قانون‌گذار در بند «پ» ماده ۲۹۱ با بیان اینکه «هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب، واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده مشمول جنایت عمدی نباشد» جنایت شبه عمدی است چیزی که اصولاً مشمول جنایت خطای محض است را به عنوان جنایت شبه عمدی مقرر کرده است با این مصلحت^۱ که با توجه به وجود تقصیر مرتکب در این زمینه، بار پرداخت دیه را از دوش عاقله برداشته و آن را بر دوش مرتکب قرار دهد. (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۳۲) با این حال اصطلاح خطای محض از نظر منطوقی متضمن چند معنا است؛ نخست اینکه این دو واژه این نوع از جنایات را از شمول عمد و شبه عمد در مفهوم خاص خارج می‌کند و دوم اینکه با توجه به بند «پ» ماده ۲۹۱ ق.م.ا. که جنایت ناشی از تقصیر را شبه عمدی محسوب نموده و پرداخت دیه را بر عهده مقصر نهاده است، تحقق جنایت خطای محض مستلزم آن است که مرتکب در رفتار ارتكابی نیز تقصیر نداشته باشد. (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۱۴) به فرض مثال اگر شخصی در منطقه غیرمجاز شکار با اسلحه‌ای که مجاز بوده تیری را به سمت حیوانی رها کند و ناخواسته به کسی در آن محل اصابت کند این مثال از مصادیق بند «پ» ماده ۲۹۱ ق.م.ا. خواهد بود که به موجب آن مقرر شده است «هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب، واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد.»

^۱ البته مصلحت دیگری که ممکن است در این زمینه برای قانونگذار مهم جلوه کرده و سبب شده، قانونگذار قتل ناشی از تقصیر را شبه عمدی تلقی کرده و مجازات آن را صرفاً متوجه مرتکب قرار دهد شاید انجام مطالعاتی در زمینه جامعه‌شناختی است که ظاهراً معلوم کرده است تقصیر جزایی می‌تواند به عنوان قسیم عمد، رکن روانی قتل تلقی شود بدین صورت که قتل‌های ناشی از تقصیر نیز توان مختل کردن نظم عمومی را همانند قتل‌های عمدی دارند (فخر، ۱۳۹۱: ۲۰۶) و شایسته است قانونگذاران رویکرد جدیدی نسبت به این دسته از جرائم اتخاذ کنند و مجازات‌های سنگین‌تری را نسبت به آنها در نظر گیرند.

را داشته است در صورتی قتل خطا محض است که در هیچ یک از این مصادیق، تقصیری وجود نداشته باشد. خلاصه آنکه مصادیق قتل خطا محض منصرف از تقصیر است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود با توسعه تقصیر در زمینه تحقق جنایات شبه عمدی (قتل شبه عمدی) و قرار گرفتن کلیه جنایات ناشی از تقصیر (قتل ناشی از تقصیر) مرتکب در زمره جرائم شبه عمدی، در زمینه تحقق جنایات (قتل خطای محض) مشمول عنوان خطای محض تحدید صورت گرفته است و از دامنه این جنایات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ کاسته شده است.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از نظر مبانی مسؤولیت کیفری تحولی نو در حقوق کیفری رخ داده است. پیش از این مسؤولیت کیفری مبتنی بر تقصیر صرفاً به عنوان استثناء پذیرفته می‌شد اما اکنون با توسعه نظریه تقصیر مواجه‌ایم. در این مقاله مصادیق متعددی از این توسعه بیان شده است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تحولاتی در مبنا، ارکان، انواع و مصادیق مسؤولیت کیفری بر پایه نظریه تقصیر صورت گرفته است. برای احراز رابطه سببیت قانون‌گذار از پیش فرض مسؤولیت کیفری سبب مقدم در تأثیر عدول کرده و عنصر تقصیر را پایه‌ای برای احراز رابطه سببیت قرار داده است. همچنین قانون‌گذار مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر را به رسمیت شمرد. هرچند سابقاً در قوانین خاص رگه‌هایی از این مسؤولیت دیده می‌شد اما اکنون با مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عنوان یک قاعده عام پذیرفته شده است. در هردوی این مسؤولیت‌ها، نظریه تقصیر رکن اساسی توجیه کننده مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر است. البته امکان وقوع جرایم عمدی از ناحیه اشخاص حقوقی و نیز در بخش اول ماده ۱۴۲ ق.م.ا مسؤولیت مطلق و عینی متصور است ولی تکیه‌گاه این نوشتار بر بخش دیگر مبانی توجیهی مسؤولیت اشخاص حقوقی در جرایم غیرعمدی و همچنین ناظر به بخش دوم ماده ۱۴۲ ق.م.ا مبتنی بر مسؤولیت ناشی از تقصیر است. در ادامه باید گفت قانون‌گذار مبانی مسؤولیت محض پاره‌ای از عوامل را

که قبلاً پذیرفته بود تغییر داده و مبانی مسؤولیت آنها را بر پایه نظریه تقصیر استوار کرده است. تغییر در مبانی مسؤولیت کیفری پزشک با چنین رویکردی صورت گرفته است چه آنکه دیگر قانون‌گذار از پیش فرض مسؤولیت یا عدم مسؤولیت پزشک بر پایه اقوال مشهور یا غیرمشهور فقها عبور کرده و آن را بر پایه مسؤولیت کیفری مبتنی بر تقصیر استوار کرده است. کما این که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با توسعه تقصیر و مبنا قرار دادن آن به عنوان مبانی تحقق مسؤولیت کیفری اشخاص، باعث فزونی دامنه مصادیق قتل شبه عمدی شده و در عوض از دامنه مصادیق قتل خطای محض کاسته است و بار مسؤولیت کیفری و مجازات ناشی از قتل شبه عمدی را که به موجب تقصیر مرتکب صورت گرفته است صرفاً متوجه مقصر قتل شبه عمدی کرده است و بدین وسیله برخلاف قانون مجازات اسلامی سابق در این موارد عاقله مرتکب را مسؤول جبران خسارات ناشی از قتل مقصر ندانسته است. پس از بررسی‌های بعمل آمده در این مقاله می‌توان گفت از این پس عنصر تقصیر در کنار عنصر عمدی بودن به صورت موازی - نه استثناء- به عنوان ارکان مسؤولیت کیفری در نظم حقوق کیفری نوین شناخته می‌شود. شاید بتوان علت این تغییر و تحول را سیر تکامل قوانین جزایی در بوته رویه قضایی دانست. بدین صورت که نظریه تقصیر تحت تأثیر واقعیت‌های عینی و عملی پرونده‌های قضایی بسط و گسترش پیدا کرده است. در واقع نظریه‌های ذهنی، انتزاعی و پیش‌فرض‌گونه در قانون مجازات اسلامی سابق جای خود را به نظریه عینی، عملی و عرفی تقصیر در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ داده است. در انتها نیز پژوهش و تحقیق میدانی از تأثیر رویه قضایی بر تحولات قانونگذاری در حوزه کیفری به عنوان پیشنهاد پژوهشی ارائه می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

- صادقی، محمد هادی (۱۳۹۴). «اجتماع اسباب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲». *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۰(۶): ۳۳-۵۶.

- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۲). *جرائم علیه اشخاص*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

- صفایی، سید حسین (۱۳۹۱). «مبنای مسؤولیت مدنی پزشک با نگاهی به لایحه جدید قانون مجازات اسلامی». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق جزایی*، ۱۷(۵۸): ۱۴۱-۱۵۶.

- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۸). «تغییرات قاعده اجتماع سبب و مباشر با لحاظ آخرین تحولات قانون‌گذاری در ایران (ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲)». *مجله حقوق خصوصی*، ۱۶(۱): ۱۱۳-۱۳۲.

- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.

- چهکندی‌نژاد، علی (۱۳۸۹). «مبنای فقهی حقوقی مسؤولیت مدنی ناشی از اجتماع اسباب». *فصلنامه تخصص فقه و مبنای حقوق اسلامی*، ۶(۱۹): ۶۳-۸۴.

- حاجی‌نوری غلامرضا (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی رهیافت‌های سببیت در مسؤولیت مدنی». *نشریه فقه و حقوق اسلامی*، ۱(۱): ۶۱-۸۹.

- خادم سربخش، مهدی (۱۳۸۹). «تأثیر حالت و وضعیت زیان‌دیده بر مسؤولیت عامل زیان». *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۰(۷۴): ۱۱۱-۱۳۲.

- شریفی، محسن؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ عیسیایی تفرشی، محمد و فرجی‌ها محمد (۱۳۹۲). «انتساب مسؤولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان». *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۰(۶): ۵۷-۸۸.

- فخر، حسین و فانی، رضا (۱۳۹۱). «بررسی امکان الحاق تقصیر به عمد در قتل». *فصلنامه فقه و حقوق اسلامی*، ۳(۴): ۲۰۵-۲۲۴.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان و دوم انجام شده است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۲). *جرائم علیه اشخاص*. تهران: نشر میزان.

- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

- اردبیلی، محمد علی (بی‌تا). *مسؤولیت کیفری ناشی از فعل دیگری در حقوق کیفری ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پورتال جامع علوم انسانی.

- باهری، محمد (۱۳۸۴). *حقوق جزای عمومی*. تهران: انتشارات مجد.

- پور رضا، مهدی (بی‌تا). *مسؤولیت ناشی از رفتار دیگری در قانون مجازات اسلامی*. اولین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

- توجیهی، عبدالعلی (۱۳۹۳). *آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

- رستمی، هادی و قره‌داغی، جابر (۱۳۹۴). «تأثیر اخذ برائت در رفع مسؤولیت کیفری از پزشک با توجه به قانون مجازات اسلامی». *مجله پزشکی قانونی ایران*، ۲۲(۱): ۵۵-۵۸.

- روح الامینی، محمود (۱۳۸۷). «دگرگونی‌های مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه». *فصلنامه فقه و حقوق*، ۱۶(۴): ۱۲۹-۱۵۶.

- میرسعیدی، سیدمنصور (۱۳۸۳). *مسئولیت کیفری*. تهران: نشر میزان.

ب. منابع عربی

- شهید ثانی، زین الدین (۱۳۸۶). *الروضه البهیه فی شرح المعه الدمشقیه*. جلد دهم، قم: انتشارات داوری.

- طوسی، ابی جعفر محمدبن حسن (۱۳۵۱). *المبسوط فی فقه الامامیه*. جلد هفتم، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

- فاضل هندی، بهاء الدین محمد (۱۴۰۵). *کشف اللثام*. جلد دوم، قم: مکتبه السید المرعشی النجفی.

- موسوی خمینی، روح الله (بی تا). *تحریر الوسيله*. جلد دوم، تهران: انتشارات مکتبه العلمیه اسلامیه.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). *وقایع حقوقی مسئولیت مدنی*. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.

- کریمی، نسرین (۱۳۸۶). «تأثیر شرط براءت در رفع مسئولیت از پزشک». *فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۷ (۱): ۵۹-۸۰.

- مالمیر، کیومرث (۱۳۹۲). «مسئولیت کارفرما در حوزه حقوق کیفری کار». *ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه*، ۱۵۷: ۵۱-۵۶.

- موسوی مجاب، سید درید و رفیع زاده، علی (۱۳۹۴). «دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۴ (۱۳): ۱۴۷-۱۶۹.

- مومنی، خسرو (۱۳۹۵). «کیفیت مسئولیت عوامل متعدد زیان (نقد مواد ۵۲۶، ۵۳۳، ۵۳۵ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲)». *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۸ (۱۴): ۲۴۷-۲۷۴.

